

## مدیر کل

جلال الدین الحسینی مؤید الاسلام  
صاحب امتیاز روزنامه هفتگی  
و یومیه (جبل المتین)

(عنوان مراسلات)

طهران خیابان لاله زار  
نام مدیر میرزا سید حسن کاشانی  
دبیر اقا شیخ یحیی کاشانی

میر از روزهای جمعه همه روزه  
طبع و توزیع میشود

## یومیه

## جبل المتین

۱۳۱۱

طهران

## قیمت اشتراك سالانه

طهران ۴۰ فران  
سایر بلاد داخله ۴۵ فران  
روسیه و قفقاز ۱۰ منات  
سایر ممالک خارجه ۳۰ فرانک

(قیمت يك نسخه)

در طهران يكصد دینار  
سایر بلاد ایران سه شاهی است

قیمت اعلان سطر

دو فران است

روزنامه یومیه ملی آزاد سیاسی اخباری تجاری علمی ادبی مقالات عام المنفعه

با امضا قبول و در انتشارش اداره آزاد است

یکشنبه ۲۷ ربیع الثانی ۱۳۲۵ هجری قمری و ۲۰ خرداد ماه جلالی ۱۲۹ و ۹ ژوئن ۱۹۰۷ میلادی

## بانک شرقی آلمان

در طهران بقلم یکی از دانایان

روزنامه مبارکه ایران در شماره ۴ مورخه ۱۰ ربیع الاخر  
شرحی بعنوان (رفع شبهت) نکشته راجع بفصلی که  
روزنامه مقدسه جبل المتین یومیه در باب تقوّد دولت  
المانی و تیقظ ملت ایران درج و مرقوم داشته بود  
و هم در شماره ۳۰ جبل المتین لایحه دیگری بقلم جناب  
آقا میرزا حسین خان منشی باشی سفارت اطریش در انبیا  
مرقوم رفته بود که در ذیل آن وعده داده بودید در  
اوراق بعد ملاحظات خود را مرقوم دارید ولی خلوص  
و وطنی اختیار را از دست این بنده بیرون برده در برابر  
جریده محترمه ایران بعضی عرایض بنظرم رسید که  
خدمت عالی عرض مینمایم اگر وره خود را برای  
خدمت وطنی وقف نموده باشند معلوم است درج  
خواهند فرمود.

همه میدانیم که روزنامه ایران صفحه بود که تا یک  
اندازه اجبار قلم را بخوبی اشمار میداشت ولی از  
مشاهده این نمره و قرائت این فصل اگر چه آنهم پیدا  
بود از روی چه ماخذ و بر حسب کدام دستور العمل نوشته  
شده باز موجب نهایت مسرت و امیدواری گردید که  
نکارنده جلیل نشان آن وره رسمی رسم القلم را تغییر  
داده و مقتضیات وقت را رعایت فرموده و بدین یقین  
مشاهده فرموده که امروز

(لای از سخن چو در توان زد)

(آن خشت بود که پرتوان زد)

چون ترقیات ادبی و علمی در هیچ ملتی پدید نیامد

جز بمشجرات ادبی و مباحثات فلفلی که مواد قابل ذکر  
را در تحت منازعات بگری آورده بی ملاحظه بتعاطی افکار  
و تقابل مفاوضات بردازند لهذا جرئت نموده بامدیر صافی  
ضمیر جریده یومیه جبل المتین هم آوازی حاصل نموده  
در این مقوله مقاله عرضی مینماید که هم رفع شبهت است  
و هم بیداری ملت هم وظیفه انسانیت و ابرائیت

روزنامه مبارکه ایران رنجیده بود از اینکه چگونه  
جبل المتین راضی شده است باین توضیح تشریح نماید  
که مسامور بانک آلمانی برای پیشبردن خیالات بلنکی  
خود ملاقات سفرای انگلیس و روس را مقم داشته  
و راه حصول مقصود را تحصیل رضایت آنان پنداشته  
و یا اینکه چگونه دولت ایران با وجود نکبت و فقرات  
و بی اساسی مملکت اعطای چنین امتیازی را صلاح  
دانسته و مداخله رسمی ایندولت متنفذ قاهر را در ملت  
ضعیف بی علم بی تجربه خود جواز داده و خواسته بود  
بقوت قلم معجز شیم و سحر بیان و لطف کلام این  
دل سوزی و جان کدازی و ملت پرستی و وطن خواهی  
که از جریده جبل المتین بروز و ظهور نموده است  
شبهتی بقلم داده لزوم بانک آلمانی را در ایران  
بیان و تاکید فرماید - صحیح است - مارا حرفی  
نیست - (در کارگران و گل حکم ازلی این شد)  
(کین شاهد بازاری وان برده نشین باشد)

روزنامه مبارکه ایران وظیفه اش ترویج افکار و  
تحسین اطوار است که از ادارات درباری بظهور میرسد  
و برای همین کار هم تاسیس شده است حالا ترتیب  
دربار و اوضاع روزگار طور است که اسباب سرکشگی  
و روسیاهی آن خاشاک مشگین خشامه است ربطی بمالم

نگارنده ندارد و دخلی بقیده شخصی ایشان نخواهد داشت و کسی را حق کلمه نخواهد بود، چنین کسی را حق کلمه نخواهد بود اگر روزنامه مقدسه حبل المتین برآستی سخنی رانده و بحقیقت چیزی را فهمانیده باشد و وظیفه مقدسه خود را که از فرائض مذهب و اصول دین اوست ترک کرده توحید را در یگانگی و معاد را در ربیم از حساب و عقاب دانسته که خدا یکست و وطن یکی پادشاه یکی حساب در کار است و عقاب در کنار میکشند دو پادشاه در اقلمی کنجد او میکوبد ما دیدیم که سه پادشاه ممکن است چنانچه می بینیم و میدانید واضح است اکتار و تعداد با یکدیگر در یک مملکتی و جاب سرمایه سایر دول موجب مزید ثروت و سهولت کار تجارت و تزئید روابط سیاست بین الدولتین خواهد بود و هیچ عاقلی را در این ماده سخنی نخواهد بود چنانچه امروز تدابیر دول متمدله صرف همین نکته و مشغول همین پلتیک است ولی این مسئله را هم نباید از نظر دقت فر و گذار نمود که آنها اگر مناری دزدیدند چاهی نیز کنند داشتند و اگر با فیلبنان دوستی نمودند خانه در خورد فیل ساخته بودند ملت خود را بدانش و هوش و تربیت اجاری دانا کردند و حقوق وطنی و ملی بانان آموختند و قوانین داخلی برای حفظ نظام و تعیین حدود هر کس وضع نمودند مدارس تجارتمی و علم اقتصاد و میانه روی برای انانی وطن خود تأسیس و ترویج کردند و اگر امتیازی بدولتی دادند بهمه جهت صرف خود و وطن خود را در آن امتیاز ملحوظ داشتند و ناسبات سیاسی را بقوه عام و تدبیر و سرازیه های درخشنده محفوظ نمودند نه اینکه از یک طرف سعی موفور در کوز کردن اذ هان و خفه کردن دل های ملت خود بکار برند و از طرف دیگر برای جزئی صرفه عاجل شخصی منافع آجل و طنی و ملی را در تحت سلطه و اقتدار اجاب و ا کذار نمایند آیا هیچ امعان نظری در بانک انگلیس و روس فرمودند و خساراتی که از این دو اداره بر ملت و دولت وارد آمده ملاحظه کردند . آیا هیچ کس میتواند شک نماید که این دو بانک تا چه اندازه روح ملت را بردند و بقول روز نامه ایران ناموس (اسفر) مارا تصرف نمودند . آیا میزان صرف پول را در ایران جز بانک بخود انحصار داد آیا در هیچ مملکتی از ممالک عالم وحشی یا تمدن هیچ وزیر دیده شده است که فصل اساسی امتیاز بانکی را که ضامن حقوق مردم است برای جزئی دزدی خود نسخ کند و حقوق ملتی را بفرود ایا بانک انگلیس که بانک دولتی ایران است مقید نبود که موافق اسکناسهای را بچسب

پول نقد در خزانه بانک داشته باشد که ضامن معاملات او باشد و کافل این کاغذ پوسیده ها که در دست مردم است بشود این شرط را کدام خیانت کار اجازه به نسخ آن داد و (کمیسر) ماور محترم دولت ایران چگونه قبول نمود آیا بانک روس که بانکی رهنی برای استقرارش بود برهن کدام وثیقه چهار ده ملیون مال التجاره قلب را در با زار طهران و سایر ممالک ایران برآکنده نمود و تجار جاهل و کسبه عوامی را مقروض و مرهون خود داشت که ایا این بیچارگان چگونه از زیر این بار کران بدرآیند و جانی بسلامت از چنگ این کرکان گرسنه و رو با هان محیل برآیند مگر نه از برکت این دو بانک بود که جنس طلا از ایران برافتاد و میزان تفره بشتک و اعتبارات صرافی از میان اتباع ایران سلب شد دیگر ندانم چه برای این ملت بینوا باقی مانده که دولت سومی دلمی از نو بکسترا ند و تیرکی تازه بکار برد

بعضی از گونه نظران فرنگی پستند که سابقه خصوصیتی بادولت آلمانی دارند و خود را سیاسی و عارف بحقوق بین الملل تصویر میکنند اینطور القای شبهه مینمایند که امروز الزم از تعام لوازم برای دولت ایران رابطه بادولت سومی است که از حیث قدرت و شوکت در اروپا منزلت و نقای داشته باشد تا بوسط این رابطه بتواند حقوق خود را در برابر دو دولت همجوار محفوظ دارد و مانع از نفوذ ایشان گردد و ضمناً از سرمایه و ثروت و علم و سیاسی که اندولت در این مملکت بخرج خواهد داد تسهیل و تاملینی در امورات داخه و پلتیک خارجه حاصل نماید — زهی تصور باطل زهی خیال

مجال — صاحب این عقیده خوب است بشماره ۱۳ و ۱۴ حبل المتین رجوع نماید و بحال دولت عثمانی و مراکش عطف نظری کند که آنان ازین تدبیر چه حاصلی بردند و عاقبت روز کارشان دچار چه وخامتی گردید در بن مقام همینقدر میگویم که اگر وزرا و کار گذران دولت ایران اهل سیاست و تدبیر بودند و میتوانستند از رابطه و مخالطه بادولتی جناب فایده کنند همانا از دولت انگلیس کرده بودند و افلا حال مثل افغانستان بودند تا بنایان امور میدانند که بدو دولت فرانسه و بسداً دولت انگلیس چقدر در استقلال دولت ایران سعی نمودند و تجاوزی که از دولت روس باین مملکت می شد بیش از وقت باین دولت معلوم میداشتند و نمیگویم که این خصوصیت قبل از آشنائی برای دوستی بادولت ایران بود بلکه حفظ پلتیک خودشان مستلزم این معنی می بود که دولت ایران در حد خود مستقل و قادر بر مدافعه باروس باشد و او را از نفوذ پلتیک خود در آسیا مانع گردد . تا اینکه در مدت سالیان

دراز معلوم داشتند که از سوء تدبیر اولیای امور در ایران برای صرفه حالی خودشان غلبه یکی بر دیگری هر روز حل مملکت در ضعف و قدرت و نفوذ دولت روس بیشتر است این بود که یک جنبش غیورانه ملت ایران و طلب مشروطیت و پارلمان مصلحت را در مساعدت ملت و نقل قدرت دربار بمجلس و کلاً دانستند که شاید در میان افراد ملت کسانی یافت شوند که حقوق خود را بدانند و محافظت آنها بتواند ولی افسوس و هزار افسوس که نفوذ دولت رقیب نه باندازه ایست که امروز بتوان جلو آنها گرفت و ملت نه بقدری جاهل است که قدر این مقام را بداند و با چنین پلنکی که متضمن استقلال اوست مساعدت نماید و دولت نه بقدری فریفته است که مجال طغیان و تراخی از نیرنگات این ساحر شمالی داشته باشد بعضی از سیاسیون را عقیده چنان است که جانب توجه دولت آلمانی را هم بسمت ایران تدابیر دولت روس کرده باشد زیرا که بهیچ وسیله دیگری نمیتواند حقوق دولت بریطانیایی کبیر را در جنوب ایران لغو یا خفتی نماید و میدانند که دولت آلمانی هر قدر سعی نماید هیچوقت نمیتواند دست تجارت و پلنیک خود را تا شمال ایران بسط دهد ولی انتظار و امید دارد که شاید بتوسط قدرت و نفوذ اوراهی بدریای جنوب پیدا کند و مقصود باطنی خود را حاصل نماید

بالجمله درین مقام سخن بسیار است و مطلب قابل توجه بزیر گمان عاقلیمقدار که دقت خویشرا اند کسی صرف اینمعنی فرموده منافع و ظن خود را از دست ندهند ما همین قدر میکوئیم که خوب بود اولیای مجلس محترم مقرر دارند امتیازا تیکه تاکنون بدولت خارج داده شده است بنظر تقشیر و تحقیق ملاحظه فرمائید و تجاوزی که از شروط خود نموده اند رفع و اصلاح نمایند و حقوق ملت خود را حفظ و حراست کنند و حالا که نمیتوانند جلو بعضی کار هارا بگیرند افلا حفظ بعضی مراتب را بفرمایند ناله و فریاد ما بی چاره کان و تشویش و اضطراب ما بی نوایان چه ثمر و اثری خواهد بخشید سی سال است روز نامجسات ایران پرست میکوبند و مینویسند هر نتیجه که از گفتن و نوشتن ایشان حاصل شد از عرایض ما هم حاصل خواهد شد ولی وظیفه حافظان دعا گفتن است و بی خرابشوند بانشنونه والسلام علی من اتبع الهدی . ا . پ

### خلاصه مذاکرات مجلس دار الشوری

( روز پنجشنبه ۲۴ شهر ربیع الثانی )

مذاکره از اغتشاشات و انقلابات ولایات بمیان

آمد که در صورت نبودن مجاریات و سیاست از لوازم اجتماع و جمعیت از روی جلب و دفع هرج و مرج و اغتشاش و بی نظمی خواهد بود لازم باسباب خارجی دیگر نیست تا حال حکام یک ترتیب و نظمی از روی استبداد و استقلال داشتند امروز نه آنت و نه ترتیبی برای آنها معین شده در هر حل اوجب واجبات امروزه بر مجلس تامین ولایات است و راه آن معین نمودن دستور حکام و مجازات از برای حاق بعد از مذاکرات زیاد قرار شد که انجمنی مرکب از دوازده نفر از روز شبیه تشکیل بشود و زود تر دستور العمل حکام را مرتب نمایند که با نظامنامه ایالتی بفرستند

مذاکره از اغتشاش کرمان شاه بمیان آمد که معلوم نشد آخر چه اقدامی در این باب عدگفتند که آنچه لازمه اقدامات بود از طرف وزارت داخله و از طرف مجلس شده و بهیچ وجه کوتاهی نشده است بعضی چنین اظهار داشتند که باعث آن بلوا عودت این سه نفر مقصد مستبد که اخراج کرده بودند شد باید خواست که کمی آنها را وارد شهر کرد و چرا آوردند

وکلای کرمانشاه را عقیده این بود از طرفین پنج نفر در اینجا حاضر بشوند تا تحقیق و رسیدگی شود که تقصیر از کدام طرف است

بعضی را رای این بود که بجهت ترفیه حال فقرا و زیر دستان باید که اعظام و اکابر طرفین را تبعید و اخراج کرد تا آتش این فتنه بجواید و مردم راحت باشند گفته شد که تکلیف مجلس ارائه خصوصیات طریق نیست باید امنیت بجواید باز هم جداً از وزارت داخله امنیت میخواهیم

بعضی از وکلا اظهار داشتند که اجزاء وزارت عدلیه میگویند ما امنیت نداریم بوسطه اینکه سیدی معروفی بانتظام السادات با کسی طرف بود بعد از رسیدگی حقانیت طرف او معلوم شده بر طبق آن حکم داده شد سید شش لول کشیده که من شما را میکشم و نمیگذارم که حکم شما مجری شود در عصر هم در سبز میدان جاو چند نفر اجزاء را گرفته و شرارت کرده اگر این ترتیب باشد از عدلیه کاری ساخته نخواهد بود بعضی گفتند که این اظهار از طرف عدلیه بی محل است زیرا که باید همان شخص را جلب کنند و مجازات نمایند گفتند که مجازاتی معلوم و معین نشد لذا ملاحظه میکنند بالاخره قرار شد که از مجلس بوزارت عدلیه نوشته شود که اینگونه اشخاص را گرفته بعد از تحقیق تنبیه و سیاست شوند مذاکره از سالار الدوله شد که با اینهمه گفتگوها و اقدامات از طرف ملت و مجلس و وزارت داخله از طرف

وزارت جنگ بهیچ نحو اقامی نشده نه قولاً نه فعلاً  
بعضی از نو عتجات سالار الدوله که بیعضی از سر کردها  
و رؤساء ایلات نوشته بود و بکذب و تدلیس آنها را  
بسوی خود دعوت نموده بود قرائت شد که از طرف  
مجلس ملی طهران و انجمن تبریز و حجج اسلام بمن  
تلاکرافات و مکتوبات عدیده رسید و مبالغ  
پنج کروور هم همراهی دارند هر کس  
که مسلمان و حامی اسلام است باید باین همراهی کند که  
در بنای این اساس بکوشید و قرائت گفتند خوبست  
برای رفع شبهه از اذهان عوام و اعلام آنها بر اینکه او  
مخالف مجلس و دولت است چیزی نوشته شده چاپ  
شود بتمام ولایات نشر گردد صورت تکراری هم از  
طرف مجلس قرائت شد که بشاهزاده مخارمه شود که  
باز هم مجلس شما را اطمینان میدهد و از خانواده سلطنت  
باید بیشتر ملاحظه امنیت و رفاهیت بلاد و عباد شود  
اینکه این حرکات موجب سلب آسایش عموم است اگر چنین  
باشد مجلس لابد است که شمارا از مل و لوازمات آسایش  
امنیت نهد و این موجب خیلی مفاسد از برای شخص  
حضرت والا خواهد بود محض اتمام حجت این دفعه  
هم اخطار شد و چنین اشخاص البته مطرود دولت و  
ملت می باشند

صورت کنقرات گوشت از مشهدی حسین قلی  
بختیاری قرائت شد که در چهار فصل بچهار قیمت که  
چارک هشت عباسی و یک قران و صد دینار و نه صد  
دینار و چهار عباسی باشد میفروشم بشرط آنکه برهکشی  
نشود و مبلغ بیست هزار تومان هم نزد حاجی امین  
دارالضرب میگذارم و بعضی از شرایط دیگر هم که لازم  
بود کرده شد گفتند باید مجلس اعلانی بدهد که تاده  
روز دیگر شاید کسی پیدا بشود بهتر باشد از جهاتی  
اگر نشد آنوقت همین کنقرات را تصحیح کرده فساب  
خانه باو واگذار شود

### کرمان

وضع کرمان خیلی از قانون اعتدال خارج شده  
میرزا علی محمد پسر آقا باقر جمعی سیاه و سفید با تفنگ  
مارتین در شهر کرمان مشغول اغتشاش تابحال چند نفر  
از اهالی باغداد سب را بقدری زده که قریب الموت شده  
تلگراف بمجلس نموده بحکومت عارض شدند رفع می  
اعتدالی او را فرمودند امروز یک نفر اخوند روضه خوان  
مقدس ملاغلام حسین نام را الواوت و او باش آدم های مشار  
البیه از بیرون شهر گرفته زده بدیده است در باغ خودش  
بقدری او را زده که قریب بمردن است علی الهجاله او را  
اهالی روی تخته پاره گذارده نزد حکومت بردند لکن

بهیچوجه حاصلی نخواهد بخشید زیرا که حکومت تابحال  
معالجه حال آنها را فرموده است و تلگرافات مجلس مقدس  
ملی و وزیر داخله نیز بالمره موثر و محل اعتنا نیست این  
وضع زندگی مردم بیچاره میباشد که آب آنها را کسان آقا باقر و  
پسران آقا میرزا علی محمد غصبا به باغهای خود میبرند  
بحکومت عارض شدند الحال هر روز مردم را اذیت مینمایند  
لاکن تمجب است با اینکه تنبیه چهار نفر اقرار سهل  
است بکی آنها را واگذار بخود فرموده اند و احتمال دارد  
اهالی ناچار شده بجهت حفظ خود در صدد برآمده یک  
هنگامه بزرگ برپا شود

### فائده راه آهن

مملکت کمراه مملکتی است که راه آهن ندارد اگر چه بهر  
اندازه ثروت طبیعی داشته باشد ماتی بی سعادت ملتی است که  
دران مملکت زود کانی مینماید اگر چه بهر درجه دارای  
استعداد فطری گردد زیرا چنین ملت نه می تواند از  
ثروت مملکت خود منتفع گردد و نه لوازمات معیشت  
خود را ادا نماید به این دلیل که ملت و قتی سعادت میابد  
و از ثروت ملکی خود منتفع میگردد که بتواند معادن و  
محصولات خود را صنعتی و تجارتنی نماید ثروت طبیعی  
خود را باطل و بی قدر نکند از اسباب و کارخانه جات  
داشته باشد محصولات بی قدر خود را به قوه علمی به  
قیمت عالی برساند مثلاً یک شعبه از ثروت ملکی فلاحت  
است و یک رشته از فلاحت چغندر میباشد که ارو پائیان  
از این رشته فواید فوق العاده می برند و از این نعمت  
خاکی علاوه از چندین فقره مال البخاره می سازند بد  
بخانه در ایران که مملکتی راه است باینکه اعتماد  
خاک و اعتدال هوایش بهتر و شهد چغندر ش چهار  
درجه از چغندر ارو پائیان بیشتر و معدن ذغال سنگش  
که لازمه کار خانه قند ساز است از آنان زیادتر و نزدیک  
تر به این جهت که بکار خانه جات بلژیک از خاک انکیس باید ذغال  
وارد بشود بکار خانه قند سازی کهریزک از لار که پنج  
فوسخی است با این حساب ذغال بلژیک با آن بصد  
تقریباً بمیزان خروار مارا پنخ شش هزار پول ایران  
تمام میشود ذغال کار خانه کهریزک باین قرب مسافت پنج  
تومان علاوه او می تواند در صورت ضرورت از هر جا  
چغندر بکار خانه جات خود وارد نماید و هر گاه  
کهریزک چغندر نداشته باشد باید تعطیل بکند پس مملکت  
بی راه کمراه ملت چنین مملکت بی سعادت است

### اعلان

یک راس اسب روسی شش ساله بسیار قد رو  
برای درشکه فروخته میشود طالبان رجوع بکنند به  
مغازه راه ایل در خانه بازلیل خیابان لاله زار زو به  
روی خانه وزیر داخله

حسن الحسینی الکاشانی